

بررسی تأثیر تکلیف‌گرایی دینی انقلاب اسلامی ایران بر مقاومت اسلامی حزب الله لبنان

جلال درخشه*

علیرضا محمدی**

چکیده:

در این نوشتار، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مقاومت اسلامی لبنان از منظر تبیین شاخصه‌های تکلیف‌گرایی دینی در انقلاب اسلامی بررسی گردیده و با پژوهش در دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان، این فرضیه ثابت می‌شود که «عنصر تکلیف‌گرایی دینی در انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری و تداوم مقاومت اسلامی حزب الله لبنان تأثیری جدی داشته است». و مبین این واقعیت است که هم در تحقق و پیروزی انقلاب اسلامی و هم در ظهور حزب الله لبنان و پیروزی‌های آن، تنها عاملی که مورد تأکید رهبران این دو جنبش قرار داشته عمل به تکالیف الهی است. از یک سو حزب الله لبنان از منظر آموزه‌های اسلامی اصل متری ولایت فقیه را پذیرفته و اطاعت از ولی فقیه، جهاد و مقاومت در مقابل اسرائیل و حفظ نظام اسلامی ایران را وظیفه و تکلیف دینی خود می‌داند و از دیگر سو، در حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در ایران، انجام تکلیف الهی اساس کار حکومت است. از این رو رهبران ایران حمایت همه‌جانبه از مقاومت اسلامی حزب الله را وظیفه دینی خود می‌دانند. واژگان کلیدی: تکلیف‌گرایی دینی، جهاد و مقاومت، تأثیرات انقلاب، جنبش حزب الله، شهادت طلبی.

* استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع). j.dorakhshah@yahoo.com

** مدرس و کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

Alirezamohammadi_73@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۷

مقدمه

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، افزون بر تحولات شگرف داخلی، پیامدهای مختلفی بر منطقه و جهان به دنبال داشت. یکی از این آثار، تأثیرگذاری آن بر مسأله راهبردی مقاومت اسلامی لبنان، شکل‌گیری و تدوام حیات آن می‌باشد. اینکه گروه کوچکی با تأسی به انقلاب اسلامی و علی‌رغم تمامی مشکلات ملی و منطقه‌ای، بتوانند ساختار سیاسی و نظامی پیچیده‌ای سامان داده و در مقابل توطئه‌های مختلف داخلی احزاب مخالف خود در لبنان و کشورهای وابسته عربی و غربی، به حیات سیاسی خویش ادامه و ضمن کسب توفیقات فراوانی در عرصه ملی و بین‌المللی، و تأمین تمامیت ارضی کشور خود ضربات نظامی و حیثیتی جبران‌ناپذیری به رژیم غاصب اسرائیل وارد نمایند، خود مسأله‌ای است که پرسش‌ها و ابهامات مختلفی برای استراتژیست‌های نظامی و امنیتی به وجود آورده و آنها را - که از زاویه محدود مؤلفه‌های قدرت مادی به جهان می‌نگرند - با سردرگمی عجیبی مواجه ساخته است. در حقیقت، پیروزی و مقاومت موفقیت‌آمیز این نهضت شیعی، از یک سو مایه اعجاب دوستداران و طرفداران گردید و از سوی دیگر، رعب و وحشت مستکبران و اشغالگران را در پی داشت. افزون بر این، با توجه به موج گسترده بیداری اسلامی در کشورهای منطقه و لزوم تلاش برای جهت‌دهی، موفقیت و حفظ آنان از تهدیدات گوناگون، ریشه‌یابی عامل اقتدار مقاومت اسلامی لبنان و ارزیابی صحیح آن می‌تواند الگویی برای سایر جنبش اسلامی محسوب گردد و آثار مثبتی در تقویت، حفظ و بقای آنان به خصوص جنبش‌هایی که از اشتراکات و مشابهت‌های مذهبی بیشتری با انقلاب اسلامی ایران و حزب الله لبنان برخوردارند؛ مانند بحرین، یمن و جهاد اسلامی به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر روابط عمیق تاریخی بین شیعیان لبنان و ایران، الهام‌گیری حزب الله لبنان از انقلاب اسلامی ایران و همچنین نقش حزب الله در مقابله با رژیم اشغالگر قدس، این جنبش را در میان اعراب، مسلمانان و حتی آزادی‌خواهان جهان محبوب ساخته است. همه این عوامل، لزوم مطالعه و تحقیق درباره منابع اقتدار مقاومت اسلامی، به‌ویژه جنبش انقلابی حزب الله را کاملاً اثبات می‌نماید. بر این اساس،

در تحقیق حاضر تلاش شده تا به بررسی تأثیرگذاری یکی از مؤلفه‌های مهم در انقلاب اسلامی، یعنی «تکلیف‌گرایی دینی» انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری و تداوم حیات «مقاومت اسلامی لبنان» و وجوه تأثیرگذاری آن بر اساس شاخصه‌های مربوط به آن بررسی شود.

پرسش اصلی پژوهش

آیا عنصر تکلیف‌گرایی دینی در انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری و تداوم مقاومت اسلامی حزب الله لبنان تأثیر داشته است؟

پرسش‌های فرعی

در کنار بررسی پرسش اصلی، برخی پرسش‌های فرعی دیگر نیز بررسی می‌شود که عبارتند از:

۱. تکلیف‌گرایی چیست؟
 ۲. شاخصه‌های آن کدامند؟
 ۳. در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) تکلیف‌گرایی چه اهمیت و جایگاهی دارد؟
 ۴. ضوابط اعمال تکلیف‌گرایی دینی چیست؟
 ۵. رهبران حزب الله لبنان چه نظری پیرامون مبانی انقلاب اسلامی دارند؟
- و ...

فرضیه‌های پژوهش

۱. فرضیه ضعیف: «عنصر تکلیف‌گرایی دینی انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری و تداوم مقاومت اسلامی حزب الله لبنان هیچگونه تأثیری نداشته است.»
۲. فرضیه متوسط: «عنصر تکلیف‌گرایی دینی انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری و تداوم مقاومت اسلامی حزب الله لبنان در قسمتی از بدنه آن تأثیرگذار بوده است.»
۳. فرضیه قوی: «عنصر تکلیف‌گرایی دینی در انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری و تداوم مقاومت اسلامی حزب الله لبنان تأثیری جدی داشته است.»

مفاهیم و متغیرها

در تحقیق حاضر **متغیر مستقل** عبارت است از: «تکلیف‌گرایی». در تکلیف‌گرایی انگیزه و راهنمای اندیشه، عمل و کنش سیاسی، انجام وظیفه دینی و پیروی از دستورات الهی است. مهم‌ترین شاخصه‌های تکلیف‌گرایی که ارتباط مستقیمی با شکل‌گیری مقاومت اسلامی دارند، عمل به دستورات الهی، پیوستگی دین و سیاست، ضرورت حکومت دینی، پیروی از ولی فقیه، مبارزه با طاغوت و استعمار، قیام برای خدا، مبارزه با دشمنان اسلام، نجات مستضعفین، حفظ میهن اسلامی و شهادت‌طلبی می‌باشند.

متغیر وابسته «مقاومت اسلامی» است. مقاومت اسلامی، ایستادگی مبارزین مسلمان در مقابل دشمنان اسلام و متجاوزین به وطن اسلامی با الهام از تعالیم و آموزه‌های حیات‌بخش اسلامی است که حزب الله لبنان مدنظر این پژوهش می‌باشد.

محدوده پژوهش

تحقیق حاضر به بررسی یکی از ابعاد مهم در ابعاد انقلاب اسلامی، یعنی تکلیف‌گرایی دینی از منظر امام خمینی(ره) که در ایجاد انگیزه، تبیین اهداف و روش‌های مبارزه و قیام و مراحل بعدی نظیر نظام‌سازی، وظایف نظام اسلامی، حفظ نظام و روش‌های آن هم از سوی رهبری انقلاب اسلامی و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت امام(ره) و هم انقلابیون نقش داشت، بر مقاومت اسلامی لبنان، یعنی حزب الله لبنان می‌پردازد. چرایی و چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این جریان را از انقلاب ایران در همان مؤلفه تکلیف‌گرایی دینی بررسی می‌نماید. بدیهی است هم در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و هم در مقاومت اسلامی لبنان، عناصر و مؤلفه‌های متعدد دیگری نظیر شرایط و اقتضائات محیط داخلی مانند بحران اجتماعی هویتی و سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مقابله با اسرائیل، شهادت‌طلبی و... نقش دارد که از محدوده پژوهش حاضر خارج می‌باشد.

روش عمده اثبات متغیرهای تحقیق با تأکید بر سخنان و دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان و اساسنامه آن می‌باشد. همچنین در این پژوهش، دیگر

گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مقاومت لبنان نظیر امل، احزاب و گروه‌های اسلامی اهل سنت در لبنان و میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر آنان، مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

سابقه پژوهش

به دلیل اثرگذاری بالای انقلاب اسلامی بر مقاومت اسلامی لبنان، و اهمیت این جنبش در منطقه و جهان اسلام، آثار قابل توجهی پیرامون بازتاب انقلاب اسلامی بر لبنان و به خصوص جنبش حزب‌الله وجود دارد، ولی این آثار بیشتر به ابعاد تاریخی و سیاسی آن پرداخته و بحثی مستقل از منظر تحقیق حاضر، یعنی تکلیف‌گرایی دینی انقلاب اسلامی و ارتباط آن با شکل‌گیری و تداوم مقاومت اسلامی لبنان، ارائه نمی‌دهد. هرچند در لابه‌لای متون و مباحث آنان، اطلاعات و داده‌های متعددی پیرامون تحقیق وجود داشته و قابل استفاده می‌باشد.

فصل اول: تکلیف‌گرایی دینی در انقلاب اسلامی

در این فصل به بررسی مفهوم تکلیف‌گرایی دینی پرداخته و شاخصه‌های آن را در انقلاب اسلامی به خصوص از منظر امام خمینی (ره) بررسی می‌نماییم.

۱. مفهوم‌شناسی تکلیف

تکلیف، از مفاهیم مهم دینی است که در لغت به معنای امر به انجام دادن کاری است که انجام دادنش برای کسی که به او امر شده مشقت دارد. (ابن منظور؛ مرتضی زبیدی، ذیل «کلف») علامه دهخدا در لغتنامه، ذیل واژه «تکلیف»، این کلمه را این‌گونه شرح کرده است: «چیزی از کسی درخواستن که در آن رنج بود، زیاده از اندازه طاقت کار فرمودن کسی را، زحمت و سختی و دشواری و تصدیع و رنج و عذاب و اذیت و ستم و کار پرمشقت». هم او در ذیل واژه «وظیفه» در همان منبع نیز آن را معادل تکلیف، کاری که تکلیف دینداری کسی باشد، مطلق تکلیف، چیزی که برای هر کسی در روز مقرر باشد و... آورده است. و در اصطلاح، اوامر و نواهی خداوند به بندگانش است، در جهت انجام دادن یا ندادن بعضی افعال. (واژه تکلیف، سایت دانشنامه جهان اسلام) و در

زبان انگلیسی معادل واژه‌های Task-oriented است. بر این اساس، فردی که در زندگی‌اش وظیفه و تکلیف‌مدار است، پیرو ایده «اصالت وظیفه» (Deontology cah) دانسته می‌شود. (در مقابل اصالت نتیجه). فرهنگ آکسفورد، واژه وظیفه‌شناسی (Deontology) را به تعهد، وظیفه، آن که متعهد است، دانش تکلیف یا وظیفه اخلاقی به کار گرفته که در این منبع نیز، تکلیف و وظیفه در یک معنا آمده‌اند. یکی از حقوقدانان می‌گوید: «تکلیف عبارت از امری است که فرد ملزم به انجام آن می‌باشد و هر گاه برخلاف آن رفتار نماید به جزایی که در خور آن امر است دچار می‌گردد.» (امامی، ۱۳۷۰: ۴، ۱۱)

بر این اساس، آنچه که در این تحقیق مدنظر ماست، عبارت است از: «عمل به یک سلسله دستورها و قوانین که از طرف شارع مقدس وضع شده و به وسیله پیامبران به ما ابلاغ شده، که در نتیجه عمل به آن، می‌توان به سعادت دنیا و آخرت رسید.»

۲. شاخصه‌های تکلیف‌گرایی

تکلیف‌گرایی اسلامی از ابعاد مختلف قابل بررسی است و متناسب با هر موضوعی شاخصه‌های مختلفی دارد. شاخصه‌های تکلیف‌گرایی به تناسب و در ارتباط با موضوع مقاومت اسلامی عبارتند از:

۱. عمل به دستورات الهی؛
۲. پیوستگی دین و سیاست؛
۳. ضرورت حکومت دینی؛
۴. پیروی از ولی فقیه؛
۵. جهاد با طاغوت و استعمار؛
۶. قیام برای خدا؛
۷. مبارزه با دشمنان اسلام؛
۸. نجات مستضعفین؛
۹. حفظ میهن اسلامی؛
۱۰. شهادت‌طلبی.

۳. تبیین تکلیف‌گرایی از دیدگاه امام خمینی(ره)

از منظر امام خمینی(ره) محرک اساسی انسان در حرکت‌های مختلف، چیزی جز انجام وظیفه الهی نیست. هر انگیزه دیگری که گاهی سیاستمدار را به عمل سیاسی وامی‌دارد، حتی اغراضی که از درجه‌ای از مشروعیت نیز برخوردارند، باید تحت الشعاع انگیزه‌ی ادای تکلیف باشند. شکست و پیروزی در پرتو ادای تکلیف یا عدم آن تحقق می‌یابند و محور اساسی در این امور چیزی جز ادای تکلیف و وظیفه الهی نیست. ایشان می‌فرماید:

نباید نگران باشیم که مبدا شکست بخوریم، باید نگران باشیم که مبدا به تکلیف عمل نکنیم؛ نگرانی ما از خود ماست. اگر ما به تکالیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین کرده است، عمل نکنیم باکی از این نداریم که شکست بخوریم، چه از شرق و چه از غرب، چه داخلی، چه خارج. و اگر به تکلیف خودمان عمل نکنیم شکست خورده هستیم، خودمان را شکست داده‌ایم. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۵، ۷۸)

ممکن است از دیدگاه مردم پیروزی حاصل شده باشد، اما چون ادای تکلیف الهی مورد نظر نبوده، در حقیقت شکست خورده‌ایم. بنابراین سعادت حقیقی دنیا و آخرت در پرتو عمل به وظیفه و انجام مسئولیت الهی است.

امام (ره) این نکته را درباره همه یکسان می‌شمردند، هم خود را موظف به ادای تکلیف می‌دانستند و هم دیگران را به این مهم متوجه می‌ساختند. ایشان در خطاب به ارتشیان فرموده‌اند:

شما هم بدون اینکه در نظر بگیرید من چه هستم و او چه هست. همه در نظر بگیرید خدا به ما وظیفه داده، وظیفه معین کرده، وظیفه خدایی را داریم عمل می‌کنیم. بدانید این سعادت دنیا و آخرت شما را انشاءالله حفظ خواهد کرد. (همان، ۱۹، ۲۶۱)

راز موفقیت امام خمینی(ره) عمل به وظایف الهی در تمامی صحنه‌های عبادی، سیاسی، اجتماعی و... بود. او کسی بود که از عهده مسئولیت اجتماعی خویش سربلند بیرون آمد و در به‌جا آوردن تکلیف الهی آنی غفلت نکرد. او تکالیف الهی را الطاف الهی دانسته و می‌فرمود:

ما تا در این حیات دنیوی هستیم، تا در اینجا هستیم، مأموریت‌ها از طرف خدای تبارک و تعالی داریم و باید قیام کنیم به این مأموریت‌ها. باید غفلت نکنیم از تکالیف الهیه. تمام تکالیف الهیه، الطافی است الهی و ما خیال می‌کنیم تکالیفی است، همه‌اش الطاف است، چه تکالیف فردی که برای هر فردی هست برای تربیت او، برای تکمیل او، برای اینکه غیر از این راه، راه تکمیل و راه ترقی نبوده است، درجاتی هست که بدون این راه نمی‌شود به آن درجات رسید. چه تکالیف اجتماعی که ما مکلف هستیم، در اجتماع تکالیفی داریم و باید به آن تکالیف عمل کنیم برای تنظیم این اجتماع. (همان، ۱، ۲۵۶)

در ادامه به تبیین دقیق‌تر شاخصه‌های تکلیف‌گرایی دینی از منظر امام خمینی(ره) می‌پردازیم:

۳-۱. تکلیف‌گرایی در حفظ اسلام

امام خمینی(ره) همواره تکلیف و اهمیت آن را یادآور می‌شد؛ چنانکه در کتاب ولایت فقیه، حفظ اسلام، تکلیفی واجب‌تر از نماز و روزه عنوان شده و برای انجام این مهم جایگاه ویژه‌ای تدارک دیده‌اند. از آنجایی که امام خمینی(ره) نظریه سیاسی خویش را بر مبانی نظری و چارچوب اعتقادی اسلام، که به طور کامل و خالص برگرفته از مبانی فلسفی - سیاسی اسلام است، استوار نموده‌اند، می‌توان به این مهم دست یافت که «انجام تکلیف» از مهمات و شاخصه‌های اصلی در فرایندهای و مراحل مختلف قیام و انقلاب و نظام‌سازی و رهبری نظام اسلامی توسط امام(ره) بوده است. ایشان در همان کتاب می‌فرمایند: «ولایت امتیاز نیست، بلکه وظیفه‌ای خطیر است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۶۵) و همچنین می‌فرماید: «ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است؛ حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود.» (همان، ۶۹)

۳-۲. تکلیف‌گرایی در نهضت انقلاب اسلامی ایران

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در تلگرافی به «سیدحسن بحرالعلوم» درباره دعوت برای اعتراض در مقابل رژیم پهلوی این‌گونه می‌فرماید: «اینجانب عازم هستم تا آنجا که

ممکن است اقدام کنم و از هر چه پیشامد کند هراسی نکنم تا بلکه تکلیف شرعی خود را ادا کرده باشم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲، ۱۶۷) امام خمینی (ره) در تشریح تکلیف محوری در نهضت اسلامی خویش می‌فرماید:

وقتی که یک شخصی، غاصب یک مقامی شد و همان طوری که ائمه جور این طور بودند - مثل معاویه و امثال اینها - و تکلیف مسلمین بود بر اینکه این را از آن مقامی که دارد کنار بزنند و حکومت را دست آن کسی که باید و شرع مقدس تعیین کرده است تسلیم بکنند، الآن هم بر مسلمین این مطلب واجب است؛ لازم است. ما هم یکی از افراد مسلمین هستیم که بر ما هم واجب است که جدیت کنیم و این را از این مقام پایین بیاوریم. احتمالش را هم می‌دهیم که موفق بشویم؛ لازم نیست یقین بکنیم. ما احتمال این معنی را می‌دهیم. بلکه بیشتر از احتمال الآن هست در کار که با این نهضتی که مسلمین کرده‌اند و همه با هم فریاد می‌زنند که ما نمی‌خواهیم این را، این مطلب درست بشود و سقوط پیدا بکند ان شاء الله. و بر فرض اینکه حالا ما نتوانیم، زورمان به او نرسد، همان است که حضرت امیر هم نتوانست... ما از اینکه یک عده‌ای از ما کشته بشود یا ما یک عده‌ای از آنها را بکشیم باکی نداریم، برای اینکه ما روی تکلیف داریم عمل می‌کنیم. خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده که با این طور اشخاص، با این طور ظلمه، با اینهایی که اساس اسلام را دارند متزلزل می‌کنند و همه مصالح مسلمین را دارند به باد می‌دهند، ما مکلفیم که با اینها معارضه و مبارزه بکنیم... در این اصل هیچ اشکالی برای ما نیست که ما کشته می‌دهیم... و بعضی‌ها نق می‌زنند که ... [این همه] کشته دادید، چه؟ ما تکلیفمان این است... ما دنبال این مطلب هستیم و آن قدری هم که از قوه‌مان می‌آید ما دنبال این می‌دویم. اگر نتوانستیم که کار را انجام بدهیم که الحمد لله نتوانستیم و یک خدمتی به این ملت کردیم؛ اگر نتوانستیم تکلیفمان را ادا کردیم؛ یعنی پیش خدا دیگر چیزی نیست که ما بگوییم ما نکردیم این کار را. عذرتراشی نکردیم. واقعاً یک مطلبی را عمل کردیم، و دستمان نرسیده نتوانستیم این یک چیز کمی نیست. (همان، ۵، ۲۳)

امام (ره) در پاسخ به کسانی که در مقاطع مختلف از ایشان درخواست مسامحه داشتند به مسئولیت الهی قبل از هر چیز اشاره می‌کردند، هنگامی که خبرنگاری از

حضرت امام(ره) درباره امکان سازش و مسامحه با بازماندگان رژیم سلطنتی سؤال می‌کند ایشان ضمن طرد قاطع مسامحه می‌فرماید: «این یک تکلیف الهی است و در صورت سکوت مسئول خدا خواهیم بود.» (همان، ۴، ۲۹)

۳-۴. تکلیف‌گرایی در تشکیل حکومت دینی

از منظر آن رهبر فرزانه، «اساساً حکومت کردن و زمامداری در اسلام یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین‌تری نیز دارد که باید انجام دهد.» (همان، ۴، ۱۹۱) «رابین رایت» پیرامون کارویژه اصلاح انقلاب نهضت‌های اسلامی از زبان حضرت امام(ره) می‌نویسد: «دولت‌های جهان باید بدانند که اسلام شکست‌ناپذیر است. اسلام بر سرتاسر جهان پیروز خواهد شد و تعلیمات قرآن تمام جهان را فرا خواهد گرفت. ما راه دیگری نداریم، جز اینکه تمام حکومت‌های خائن و جانی و فاسد و دیکتاتورمنش را نابود کنیم. این وظیفه‌ای است که هر مسلمانی باید آن را در تک‌تک کشورهای اسلامی به اجرا بگذارد.» (پاشاپور، ۱۳۸۲: ۱۱۳)

۳-۵. تکلیف‌گرایی در اطاعت از ولی فقیه

امام خمینی(ره) که انقلاب اسلامی ایران بی‌نام او در هیچ جای جهان شناخته شده نیست، تأکید می‌کنند که اصل ولایت، اساس و پایه تمام وظایف است؛ بخصوص ولایت فقیه در امر حکومت و جنبه‌های سیاسی آن، چنانچه می‌فرماید:

اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا یا طاغوت. یا خداست یا طاغوت. اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد غیر مشروع است، وقتی غیر مشروع شد طاغوت است، اطاعت او اطاعت طاغوت است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۹، ۲۵۳)

ایشان ولایت فقیه را ولایت رسول الله ﷺ معرفی نموده و بر لزوم اطاعت همه مردم از ولی فقیه تأکید می‌کند. از منظر امام خمینی(ره) «موضوع ولایت فقیه، چیز تازه‌ای نیست که ما آورده باشیم؛ بلکه این مسأله از اول مورد بحث بوده است. حکم میرزای

شیرازی در حرمت تنباکو، چون حکم حکومتی بود... همهٔ علما تبعیت کردند... مرحوم کاشف الغطاء بسیاری از این مطالب را فرموده‌اند... مرحوم نراقی همه شئون رسول‌الله را برای فقها ثابت می‌دانند. آقای نائینی نیز می‌فرماید: این مطلب از مقوله عمر بن حنظله استفاده می‌شود... این مسأله تازگی ندارد...» (همان، ۱۱۲-۱۱۳)

۳-۶. تکلیف‌گرایی در دفاع مقدس

امام خمینی (ره) از جنگ به مثابهٔ تکلیفی یاد می‌کند که مردم بدون توجه به عوامل شخصی یا جبری انجام می‌دهند: «... چه او رفتنی باشد، ما یک تکلیف داریم ادا می‌کنیم. ... و این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا می‌کنند. من باشم ادا می‌کنند، نباشم هم ادا می‌کنند». (همان، ۲۰، ۱۵۰)

۳-۷. تکلیف‌گرایی در برنامه‌ریزی مدیرانه

امام خمینی (ره) برنامه‌ریزی برای انجام صحیح وظایف دینی را واجب می‌داند؛ چنانکه در پیام قبول قطعنامه ۵۹۸ می‌فرماید: «برای ادای تکلیف همهٔ ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم.» و در جای دیگر تأکید می‌کند: «تکلیف ما این است که اولاً هر کاری که محول به ماست خوب انجام بدهیم ... همه مسئولیم در مقابل ملت و مسئولیم در مقابل خودمان ... به هر مقداری که می‌توانید.» (همان، ۲۰)

مأمور به انجام تکلیف نه نتیجه آن: پروفیسور حامد الگار در این باره می‌نویسد: «زمانی بعضی از دوستان من که در پاریس به ملاقات آیت‌الله خمینی (ره) می‌رفتند از ایشان سؤال می‌کردند آیا فکر نمی‌کنید این خطر وجود دارد که ادامه این خونریزی و قربانی دادن‌ها در دل مردم یأس و دلسردی ایجاد کند، به طوری که اصل نهضت از بین برود؟ آیا بهتر نیست کمی دست نگهدارید و به ترتیبی درصدد اصلاح موقتی رژیم موجود برآیید؟» آیت‌الله خمینی در پاسخ، همین قدر گفتند که: «وظیفه ما عمل به احکام الهی است و این دیگر به عهدهٔ خداست که نتیجهٔ اعمال ما در زمان حیات ما یا پس از آن تحقق یابد.» (سعیدی، ۱۳۸۴)

۳-۷. تکلیف‌گرایی در حفظ نظام اسلامی

امام خمینی(ره) حفظ و حراست از نظام جمهوری اسلامی را یک اصل غیرقابل انعطاف می‌دانست و از آن به عنوان بالاترین واجب یاد می‌کرد: «... حفظ نظام جمهوری اسلامی بر همهٔ مسلمانان واجب عینی است، حتی از نماز هم واجب‌تر است.» (سخنرانی امام در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۳) باید سعی کنیم از عوامل بقا و تداوم که همان اصول و آرمان‌های بلند جمهوری اسلامی است پاس بداریم و به هیچ قیمتی بر سر آن اصول سازش نکنیم و ضربه بر آن را ضربه به پیکر دین و نظام اسلام و گناهی نابخشودنی بدانیم. وظیفه داریم در مقابل بهانه‌های واهی که موجب تضعیف نظام اسلام می‌شود بایستیم و به هشدارهای امام(ره) در این زمینه عمل کنیم:

تکلیف است برای همه ما که این جمهوری را که به اینجا رسیده است تا آخر حفظ کنیم. تا آخر حفظ کردن این است که هر روز محکم کنیم برادری خودمان را. سر اغراض جزئی که زود می‌گذرد لطمه‌ای خدای نخواسته به اسلام وارد نکنیم. لطمه‌ای به جمهوری اسلام وارد نکنیم. اشکال اگر هست به من و دیگران اشکال را باید گفت، لکن نباید تضعیف کرد قوه مقننه را قوه قضائیه را روحانیت را. اینها جرم است. اینها گناه نابخشودنی است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵، ۲)

امام در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود می‌نویسد:

آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است. بر ملت عظیم‌الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است ... و امروز بر ملت ایران خصوص و بر جمیع مسلمانان عموم، واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده ... با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند. (وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی.)

۳-۸. تکلیف‌گرایی در دفاع از سرزمین‌های اسلامی

امام خمینی(ره) تجاوز اجانب و دشمنان اسلام به محدوده و حریم جهان اسلام و غصب و اشغال سرزمین مسلمانان را به هیچ وجه تحمل نمی‌نماید. ایشان در زمانی که

اعلان مخالفت و مبارزه با صهیونیسم تجاوز به حریم ممنوعه شمرده می‌شد و مجازاتی همچون ترور و مرگ در پی داشت، در جوی که رژیم طرفدار اسرائیل سایه شوم خود را بر این مرز و بوم گسترده بود، خط مشی و برنامه‌های توسعه طلبانه اسرائیل و آمریکا را ترسیم و افشا می‌کرد. در چنین اوضاع و شرایطی که کسی را جرأت و شهامت آن نبود که کوچک‌ترین حرکتی علیه آمریکا و اسرائیل کند، امام خمینی (ره) براساس وظیفه شرعی که برخاسته از مبانی و اصول دیانت بود، به میدان مبارزه با اسرائیل آمد و خطر اسرائیل غاصب و ارباب او را برای مسلمانان تشریح کرد. در بیانات، اعلامیه‌ها و پیام‌ها از صهیونیسم به عنوان پلیدترین پدیده سیاسی و کابوس سیاه استعمار و جراثمه فساد و تهدید ممالک اسلامی یاد می‌کرد:

... این جانب به حسب وظیفه شرعی به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم. قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است استقلال مملکت و اقتصاد آن تحت قبضه صهیونیست‌هاست... این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول بزرگ، جایگزین شده است ریشه‌های فسادش هر روز ممالک اسلامی را تهدید می‌کند، باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه‌کن شود. (پیام امام در سال ۱۳۴۱)

ایشان نه تنها خود براساس احساس وظیفه شرعی به مقابله با اسرائیل و ایادی او برخاست که مبارزه برای نابودی اسرائیل و کمک به مبارزان فلسطین را از مهم‌ترین وظایف عقلی و شرعی مسلمانان می‌دانست:

ملت اسلام به حکم وظیفه انسانی و اخوت و طبق موازین عقلی و اسلامی موظفند که در راه ریشه‌کن کردن این گماشته استعمار، اسرائیل از هیچ فداکاری دریغ نورزند و با کمک مادی و معنوی برادران خود را که در جبهه جنگ با اسرائیل هستند یاری کنند. (پیام امام در ۱۶ رمضان ۱۳۹۳ق)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا لحظات آخر عمر پیربرکت خویش بر این مسئولیت مهم هشدار می‌داد و می‌فرمود: «من نزدیک به بیست سال است که خطر صهیونیسم بین‌الملل را گوشزد نموده‌ام... امروز این زالوهای جهانخوار با فنون مختلف برای شکست مستضعفان جهان قیام و اقدام نموده‌اند. ملت‌ها و ملل آزاد جهان باید در مقابل

این دسیسه‌های خطرناک با شجاعت و آگاهی ایستادگی نمایند.» (امام خمینی: ۱۴، ۶۳)
حمایت از مردم مظلوم فلسطین را تکلیف شرعی هر مسلمان می‌دانست:

هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی بپاخیزید و مقدرات خود را به دست گیرید... تا کی نشسته‌اید که مقدرات شما را واشنگتن یا مسکو تعیین کند؟ تا کی باید قدس شما در زیر چکمه تفاله‌های آمریکا اسرائیل غاصب پایکوب شود؟ تا کی سرزمین قدس فلسطین لبنان و مسلمانان مظلوم آن دیار در زیر سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید. (همان، ۱۵، ۷۳)

۳-۹. تکلیف‌گرایی در صدور انقلاب

امام خمینی (ره) در خصوص صدور انقلاب، موضع مشخص و روشنی اتخاذ کرده و آشکارا اعلام می‌نماید: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لااله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین بینداند، مبارزه هست و تا مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.» (همان، ۱۱، ۲۶۶) ایشان ضمن اینکه اقدام برای صدور انقلاب را وظیفه‌ای شرعی می‌دانستند، تداوم انقلاب و کارآمدی و تحقق اهداف آن را وابسته به صدور انقلاب دانسته و در صورت غفلت از این امر مهم و محصور ماندن انقلاب در مرزهای انقلاب، شکست آن را قطعی می‌دانستند؛ چنانچه فرموده‌اند:

ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی نمی‌گذارد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودیمان بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲، ۲۰۲)

همچنین فرموده‌اند: «نهضت ما اسلامی است... نهضت مستضعفین سراسر جهان است قبل از آنکه به منطقه‌ای خاص متعلق باشد.» (همان، ۱۱، ۱۱۰) حضرت امام صدور انقلاب را موجب قیام همگانی مستضعفان دانسته و چنین فرموده‌اند: «ان

شاء‌الله، با این قیام همگانی مستضعفین جهان، فاتحه ابرقدرت‌ها خوانده خواهد شد.»
(همان، ۱۵، ۳۱۵)

براساس موضوعات پیشین، ضمن اینکه صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره) برگرفته از مبانی شرعی است و برای مسئولان جمهوری اسلامی ایران تکلیف‌آور است؛ از لحاظ تعاملات برون‌مرزی و حفظ منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران نیز موضوعیت دارد. بدین معنا که صدور انقلاب منطبق بر دیدگاه جامع، وظیفه و تکلیفی اجتناب‌ناپذیر است که در صورت بی‌توجهی به آن جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های طبیعی ناشی از تأثیرات غیر ارادی و کنترل‌نشده انقلاب در محیط پیرامون و تهدیدات برنامه‌ریزی شده دشمنان انقلاب اسلامی مواجه می‌کند. (ر.ک: ایزدی، ۱۳۸۱)

۳-۱۰. تکلیف‌گرایی در تشکیل هسته‌های حزب الله

امام خمینی (ره) در جهت تحقق عینی مبارزه با اسرائیل و حمایت از فلسطین و با توجه به اینکه از سران کشورهای اسلامی ناامید بودند، تشکیل هسته‌های حزب‌الله را در سراسر جهان پیشنهاد می‌نماید: «مسئولین محترم کشور ایران و مردم و ملت‌های اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه‌کن کردن آن دست نخواهد کشید و به یاری خداوند از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت‌بار خویش پشیمان و سرزمین‌های غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰، ۱۱۵)

نتیجه:

براساس آنچه بیان شد، امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی که دیدگاه‌های ایشان بر خط و مشی‌های انقلاب و تحولات پس از آن، در سطح داخل و خارج کشور تأثیر دارد، قیام علیه حکومت‌های ظالم، مبارزه با استبداد و استعمار، تشکیل حکومت دینی، اطاعت از ولی فقیه، حفظ نظام اسلامی، آزادسازی میهن اسلامی، مبارزه با

اسرائیل و آمریکا و ایادی او در جهان، دفاع از مستضعفین و ملت فلسطین، آزادسازی قدس، صدور انقلاب، تشکیل هسته‌های مقاومت اسلامی و حزب الله، را از مصادیق وظایف و تکالیف الهی مسلمانان داخل و خارج کشور دانسته و بر تحقق عینی آنها تأکید و از منظر تکالیف الهی مسئولان کشورمان را موظف به حمایت از جنبش‌های مسلمان و آزادی بخش خصوصاً در جهان اسلام می‌داند.

فصل دوم: تکلیف‌گرایی دینی در مقاومت اسلامی حزب الله لبنان

در این فصل، به بررسی شاخصه‌های تکلیف‌گرایی دینی انقلاب اسلامی در مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان می‌پردازیم.

عوامل متعددی در ظهور جنبش حزب الله و رشد و بالندگی آن مؤثر است؛ بحران اجتماعی ناشی از ضعف نظامی و بحران هویت و مشروعیت، که به دنبال اشغال لبنان توسط اسرائیل بروز کرد، موجودیت جامعه لبنان و تمامیت ارضی این کشور را در معرض تهدید و خطر قرار داد و دارالاسلام در مقابل دارالکفر قرار گرفت. شکست‌های پی در پی اعراب از اسرائیل، احساس حقارت و ترس از اسرائیل در میان مردم لبنان، عدم موفقیت گروه‌های فعال در عرصه مبارزاتی - سیاسی لبنان در مقابله با متجاوز و شکست ارتش ملی باعث تقویت احساس نفرت از دشمن شد و آرزوی روزهای سرافرازی اسلام را در دل مسلمانان لبنان بیدار کرد. در چنین شرایطی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) - که به گسترش موج بیداری اسلامی و تقویت نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان اسلام کمک کرد - تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تأسیس حزب‌الله داشت؛ به جرأت می‌توان گفت تأسیس حزب‌الله ناشی از تفکر و ایدئولوژی جهان‌شمول حضرت امام(ره) بود که در میان شیعیان لبنان به بار نشست. (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۰-۱۷۷) از این رو در شیعیان انگیزه مقاومت در برابر دشمن با توجه به تکالیف و آموزه‌های اسلامی و شیعی جهاد، ایثار، مقاومت و شهادت، آن هم با الهام از انقلاب اسلامی به وجود آمد و در همان ابتدا بر چند موضوع به اتفاق نظر رسیدند:

۱. اعتقاد به ولایت فقیه و پیروی از حضرت امام خمینی (ره)؛
 ۲. مقابله با اسرائیل؛
 ۳. عدم توانایی احزاب و گروه‌های فعال در تحقق اهداف مورد نظر؛
 ۴. لزوم اتحاد و تشکیل گروهی قوی و فراگیر برای مقابله با دشمنان.
- این اهداف کلی، باعث ظهور گروهی شد که بعدها به «حزب الله» مشهور شد و با توجه به ضرورت ایجاد تشکیلات اسلامی واحد، قوت یافت تا سه هدف اصلی را محور کار خود قرار دهد:
۱. اسلام به عنوان شیوه کامل، فراگیر و شایسته برای زندگی بهتر و پایه فکری، عقیدتی، ایمانی و عملی که تشکیلات مورد نظر بر اساس آن ایجاد شود.
 ۲. مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل، به عنوان خطر جاری و آینده که به دلیل آثاری که بر لبنان و منطقه می‌گذارد، باید در اولویت‌های رویارویی قرار گیرد و نیازمند ایجاد ساختار جهادی - مبارزاتی و به کارگیری همه امکانات لازم برای انجام مأموریت‌ها و وظایف آن است.
 ۳. رهبری شرعی ولی فقیه، به عنوان جانشین پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام که خطوط کلی فعالیت‌ها را برای امت ترسیم می‌کند و امر و نهی او نافذ و حاکم است.
- حزب الله در ابتدای تأسیس، در بیانیه‌ای با عنوان «ما که هستیم و هویت ما چیست؟» به شاخصه‌های تأسی دینی و اعتقادی به انقلاب اسلامی ایران پرداخته و می‌نویسد:

ما فرزندان حزب الله هستیم که خداوند طلیعه آنرا در ایران به پیروزی رساند تا دوباره هسته اولیه دولت اسلامی را در جهان برپا کند... ما در لبنان یک حزب تشکیلاتی بسته با چارچوب سیاسی گنگ نیستیم، بلکه امتی هستیم که از طریق کمر بند اعتقادی و سیاسی نیرومندی به نام اسلام، به مسلمانان سراسر جهان وابسته‌ایم. (ر.ک: علی آقاجانی، ۱۳۸۷)

همچنین با تأکید بر اجرای شریعت اسلامی، در بیانیه تأسیس خود آورده‌اند: «فرهنگ ما بر منابع قرآن، سنت و سیره معصومان و احکام و فتاوی صادره از سوی فقیه مرجع تقلید ما استوار است» یا فشاری بر عدم جدایی دین از سیاست، خصیصه

مشترک دیگری است؛ چنانکه سید حسن نصر الله در این باره و الگوگیری از ایران چنین می‌گوید: «اسلام برای ما دین مسجد و مدرسه و خیابان و دولت و نهادهای آن است. دین، قادر به برپایی انقلاب و اقامه دولت است... همان گونه که در ایران ثابت شد که اسلام قادر است، در مشکل‌ترین شرایط و بدترین تهدیدها، انقلاب برپا و دولت اقامه کند.» (همان)

در حقیقت نهضت حزب الله لبنان، تجلی عینی اندیشه‌های امام خمینی (ره) است که نخستین پیروزی مسلمانان و اعراب را در برابر اسرائیل محقق ساخت و بدین ترتیب راه پیروزی را به همه مسلمانان نمایاند. حزب الله در نامه معروف خود «مانیفست حزب الله» در سال ۱۹۸۵ میلادی که به طور رسمی منتشر شد اذعان داشت: «تعهد خود را نسبت به رهبری یگانه، حکیمانه و عادلانه ولی فقیه جامع شرایط که در حال حاضر در شخص امام آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی (دام ظلّه) تجسم یافته است، اعلام می‌داریم؛ او برانگیزاننده انقلاب اسلامی و نهضت با عظمت آنان می‌باشد.» (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۱۹۲)

مهم‌ترین نقطه اشتراک این نهضت‌ها با وجود تفاوت‌های جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی آنان، کوشش برای ایجاد حکومت اسلامی و تحقق احکام اسلام با مدیریت ولی فقیه است. امام خمینی (ره) در تشریح و توضیح همین بخش از نظریه حکومت اسلامی خود چنین می‌فرماید:

محدود شمردن وظایف فقها و علمای بلاد دینی به مراسم عبادی و بیان احکام و شرایط آن درباره فقط طهارت و نجاست و دعا! از بقایای اندیشه‌های مسموم استعماری است... نخستین وظیفه فقیه آگاه از احکام شریعت اسلامی، قیام برای برتری «کلمه الله» در روی زمین و جهاد پیگیر برای پاکسازی زمین از لوث وجود دشمنان خداوند است. حقیقت اسلام را به مردم بشناسانید تا نسل جوان فکر نکنند که علما در گوشه‌های نجف و قم با جدایی دین از سیاست موافق‌اند و کاری جز بررسی مسائل حیض و نفاس ندارند و با سیاست کاری ندارند، بلکه مبارزه سیاسی یک وظیفه شرعی است. (به نقل از: حمید پاشاپور، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

بنابراین «سید ابراهیم الامین»، سخنگوی حزب الله در دهه هشتاد، می‌گوید: «صدور انقلاب به معنای تسلط نظام ایران بر ملت‌های منطقه خاورمیانه نیست، بلکه به معنای تجدید حیات اسلامی منطقه است، تا آنچه بر این ملت‌ها مسلط می‌شود، اسلام باشد». حزب الله بر الگوگیری و پیوستگی با امام خمینی (ره) تأکید فراوان دارد. سیدحسن نصرالله در خصوص تمکین حزب‌الله از رهبری امام خمینی (ره) می‌گوید: «از نظر ما، امام خمینی، مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه می‌باشد. همان‌گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این‌گونه است. اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی می‌باشد. به طوری که موفق شد روح امید را در جان‌های مستضعفان بدمد. ایشان، نظریه اراده ملت‌ها در مقابل اراده مستکبران را احیا کرد. بدین ترتیب، امام برای ما بیش از یک سمبل دینی مطرح است، نه تنها برای ما، بلکه برای همه مستضعفان جهان». و سید ابراهیم الامین نیز می‌گوید: «ما در روند تصمیم‌گیری سیاسی تنها بر فقیه تکیه داریم. ما از فرامین امام پیروی کرده، به جغرافیا اعتقادی نداریم.» (آفاجانی، ۱۳۸۷) و در نامه سرگشاده حزب‌الله آمده است: «تعهد خود را نسبت به دستورات رهبری یگانه، حکیمانه و عادلانه، ولی فقیه جامع‌الشرایط که در حال حاضر در شخص امام آیت الله العظمی روح الله موسوی خمینی (دام‌ظله) تجسم یافته است، اعلام می‌داریم.» بر این اساس، حزب الله همواره برپای‌بندی نظری و عملی به ولایت فقیه و رهبری مجتهد آگاه پای فشرده است که ممیزه اصلی این جنبش، از دیگر جنبش‌های اسلامی منطقه‌ای نیز محسوب می‌گردد. دیدگاه حزب الله در این باره چنین است که «در خصوص ولایت امر، ما خود را به ولایت مرجعیت رشیدی پای‌بند می‌دانیم. ولایت در فقیه جامع‌الشرایطی که عدالت، اعلمیت، کفایت، آگاهی به مسائل روز، مدیریت، تقوا و سایر صفات لازم در او تجلی یافته است.» (همان)

حزب‌الله پس از ارتحال امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به عنوان ولی فقیه خویش شناخته است. پیروی و اطاعت حزب‌الله از مقام

معظم رهبری - ولی امر مسلمین - بر هیچ کس پوشیده نیست؛ چنانکه رهبر مقاومت حزب‌الله بر دستان ایشان بوسه زده و خود را سرباز ایشان معرفی می‌نماید. در گفتگویی که خبرنگار هفته‌نامه تایم با سید حسن نصرالله داشت، ایشان در جواب به این پرسش که «آیا خط مشی حزب‌الله را آیت الله خامنه‌ای، تابستان امسال که به ایران سفر کردید، برایتان تعریف کرد؟» چنین جواب داد: «[آیت الله] خامنه‌ای ولی فقیه است. او به عنوان ولی فقیه توصیه‌هایی به حزب‌الله می‌کند. این توصیه‌ها نه فقط در ملاقات‌های خصوصی که در سخنرانی‌های عمومی هم می‌آید. اینکه رهبری به ملت توصیه‌هایی بکند طبیعی است... این همان نقش رهبری است.» (زمانی، ۱۳۸۶: ش ۵)

همچنین دبیر کل حزب‌الله لبنان در سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) با تشریح اصل ولایت فقیه می‌گوید: «در رأس این کشور شخصیتی قرار می‌گیرد که باید دارای خصوصیات و ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی باشد، به این معنا که باید ولی فقیه عالم و مجتهد باشد یا حقوقدانی باشد که در قوانین صاحب نظر باشد و همچنین باید عادل، دانا، مدیر، مدبر و شجاع باشد و بالطبع هر کس که در رأس قدرت و حکومت قرار گیرد، باید خود بیش از هر کس دیگری در کشور به قانون متعهد و ملتزم باشد و این در واقع از افتخارات یک نظام است که رهبر آن بیش از دیگران مقید به اجرای قانون است.» (سخنان دبیرکل حزب‌الله لبنان در سالگرد ارتحال امام(ره)، ۱۳/۳/۱۳۹۰)

حزب‌الله لبنان علاوه بر دفاع از مرز و بوم ملی خود، وظیفه دفاع از کیان دیگر مسلمانان خصوصاً فلسطین را مد نظر دارد. جهاد و شهادت دو مقوله مهم‌اند که مقاومت اسلامی بنا به وظیفه، به عنوان ابزاری در این راه استفاده کرده‌اند. و ثمربخشی آن را در گرو اطاعت از ولایت می‌داند. سیدحسن نصرالله در این باره می‌گوید: «به نظر من، هرگونه مقابله، مبارزه، مقاومت و جهاد بدون ولایت و امامت و اطاعت از رهبری میسر نخواهد بود.» «دکتر صفی‌الدین» نماینده حزب‌الله در تهران، نیز در تحلیل

دلایل موفقیت حزب‌الله می‌گوید: «ما هر چه داریم از انقلاب اسلامی، امام (ره)، مقام معظم رهبری و ولایت مطلقه فقیه است و هر چه داریم از اطاعت محض از ولایت فقیه است.»

نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد، تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر حزب‌الله لبنان است؛ آن هم از منظر تکلیف‌گرایی دینی یک‌سویه نیست و علاوه بر اینکه حزب‌الله خود را موظف به انجام تکالیف دینی در حوزه اطاعت از ولی فقیه، جهاد و... می‌داند، از سوی رهبران انقلاب اسلامی نیز حمایت از این جنبش یک تکلیف دینی محسوب می‌گردد؛ چنانکه دبیرکل حزب‌الله لبنان به مناسبت هفته وحدت و میلاد حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عنوان داشت: «در خصوص سخنان اخیر رهبر ایران و تأکید ایشان بر اینکه جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های مقاومت در لبنان و فلسطین حمایت می‌کند و چیزی مقابل این حمایت نمی‌خواهد و تنها وظیفه شرعی خود را انجام می‌دهد، باید بگوییم که این برای نخستین بار است که چنین موضع کاملاً آشکاری از سوی بالاترین مقام در جمهوری اسلامی در این زمینه صادر می‌شود. بله! ما در حزب‌الله لبنان از حمایت‌های معنوی، سیاسی و مادی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۸۲ برخوردار بوده‌ایم... این حمایت مایه افتخار جمهوری اسلامی ایران است؛ چرا که مقاومت در لبنان، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پیروزی عربی علیه اسرائیل در سال ۲۰۰۰ را محقق کرد. اگر حمایت ایران وجود نداشت جنبش مقاومت لبنان نمی‌توانست در جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ (جنگ ۳۳ روزه) پیروز شود. این پیروزی‌ها در صورت نبود حمایت مادی و معنوی ایران از مقاومت محقق نمی‌شد.» (خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، پنجشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۰)

نتیجه:

در این تحقیق سعی شده است بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مقاومت اسلامی لبنان از منظر تبیین شاخصه‌های تکلیف‌گرایی دینی در انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

با پژوهش در دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان، این فرضیه ثابت می‌شود که «عنصر تکلیف‌گرایی دینی در انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری و تداوم مقاومت اسلامی حزب الله لبنان تأثیر جدی داشته است.» و مبین این واقعیت است که هم در تحقق و پیروزی انقلاب اسلامی و هم در ظهور حزب الله لبنان و پیروزی‌های آن، تنها عاملی که مورد تأکید رهبران این دو جنبش قرار داشته عمل به تکالیف الهی است. از یک‌سو حزب‌الله لبنان از منظر آموزه‌های اسلامی اصل مترقی ولایت فقیه را پذیرفته و و اطاعت از ولی فقیه، جهاد و مقاومت در مقابل اسرائیل و حفظ نظام اسلامی ایران را وظیفه و تکلیف دینی خود می‌داند و از دیگر سو در حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در ایران، انجام تکلیف الهی اساس کار حکومت است. بنابراین رهبران ایران حمایت همه جانبه از حزب الله را وظیفه دینی خود می‌دانند. (محمدی، ۱۳۸۶: ش ۱۹۶) از منظر یکی از نویسندگان «در جامعه‌ای که مهم‌ترین دغدغه مردم نه نان، مسکن، کار و آزادی که رسیدن به کمال حقیقی با بهره‌برداری از همه مواهب طبیعی و اجتماعی است، اصل اساسی دخیل در رابطه بین امام و امت، انجام تکلیف الهی توسط هر دو نسبت به هم حول محور رابطه عبودیت و بندگی هر کدام با خداوند متعال است.» (ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۶)

در حقیقت رمز پیروزی، بقا و بالندگی انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان، همان اطاعت از خداوند متعال و یاری دین اوست که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.» (محمد، ۷)

منابع و مآخذ:

۱. امام خمینی (ره)، (۱۳۸۵) وصیتنامه سیاسی - الهی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. امام خمینی (ره)، (۱۳۷۱) ولایت فقیه و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۳. امام خمینی (ره)، (۱۳۸۲) صحیفه نور، مجموعه ۲۲ جلدی، رهنمودهای امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ سوم.
۴. امام خمینی (ره)، (۱۳۸۷) صحیفه امام، مجموعه ۲۲ جلدی، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. امامی، سیدحسن، (۱۳۷۷) حقوق مدنی، ج ۴، چاپ ششم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۶. اسداللهی، مسعود، (۱۳۸۲) جنبش حزب‌الله لبنان، گذشته و حال، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. ایزدی، بیژن، (۱۳۸۱) درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۸. باغستانی، سعید، (۱۳۸۴) «انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر لبنان»، مجله معرفت، شماره ۹۸.
۹. بزی، محمد حسین، (۱۳۸۶) زبور مقاومت: حزب الله در کلام سید حسن نصرالله، تهران، شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۰. پاشاپور، حمید، (۱۳۸۲) نهضت‌های اسلامی، بازیگران جدید نظام بین الملل، تهران، مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۱۱. جعفرپورکلوری، راشد، (۱۳۸۹) آزادترین مرد جهان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۲) «امام خمینی (س) و تکلیف‌گرایی در جنگ»، فصلنامه نگین، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، شماره ۴.
۱۳. حسینی، سیدمرتضی، (۱۳۹۰) «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حماس و حزب‌الله لبنان»، سایت راسخون.
۱۴. خسروشیری، علی، (۱۳۸۸) «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به حزب‌الله لبنان از منظر سازه‌نگاری»، نشریه زمانه، شماره ۸۵ و ۸۶.
۱۵. دانشنامه جهان اسلام <http://www.encyclopaediaislamica.com>

۱۶. رادمرد، محمد، (۱۳۹۰) «بررسی جایگاه ولایت فقیه در قاموس مبارزاتی حزب الله لبنان»، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان.
۱۷. رادمرد، محمد، (۱۳۹۰) «بسترهای تشکیل حزب الله لبنان»، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. زائری، محمدرضا، (۱۳۸۶) گفت‌وگو با سید حسن نصرالله، تهران، مستند.
۱۹. زمانی محبوب، حبیب، (۱۳۸۷) «ولایت محوری رمز پیروزی حزب الله لبنان»، مجلهٔ مریبان، سال هشتم، شمارهٔ ۲۷.
۲۰. زمانی محبوب، حبیب، «آثار و کارکردهای معنویت در پیروزی مقاومت حزب الله لبنان»، سایت طوبی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
۲۱. زمانی، حبیب، (۱۳۸۷) «تأثیر مهدویت در پیروزی مقاومت حزب الله»، فصلنامه فرهنگ پویا، ش ۵.
۲۲. سعیدی، سیدمهدی، (۱۳۸۴) وظیفه‌شناسی و تکلیف‌گرایی حضرت امام رحمه الله، www.hawzah.net
۲۳. شیروودی، مرتضی، (۱۳۸۶) «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام»، سایت تبیان.
۲۴. طاهری، سیدمهدی، (۱۳۸۸) بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۲۵. غفوری سبزواری، صادق، (۱۳۸۸) حزب الله لبنان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. قاضی‌زاده، کاظم، (۱۳۷۷) اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۲۷. مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره)، <http://basij.ir>.
۲۸. محمد زمانی، جواد و الیاسی، هادی، (۱۳۸۵) مسیح لبنان، زندگینامهٔ سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، قم، ابتکار دانش.
۲۹. محمدی، علیرضا، (۱۳۸۵) «مقاومت اسلامی و منافع ملی»، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۹۶.

۳۰. محمدی، علیرضا، (۱۳۹۱) «حزب الله لبنان و مقابله به مثل»، سایت و نشریه الکترونیک پرسمان (وابسته به مرکز مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها) <http://www.porseman.org/shownevis.aspx?id=3>
۳۱. میرباقری، یزدان، (۱۳۸۲) حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۳۲. نعیم قاسم، (۱۳۸۳) حزب الله لبنان: خط مشی، گذشته و آینده آن، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران، انتشارات اطلاعات.
۳۳. نوری، داود، (۱۳۹۰) شیعیان لبنان: وضعیت سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران، مؤسسه شیعه‌شناسی.

